خبر

## املاک دولتی در اولویت صدور سند

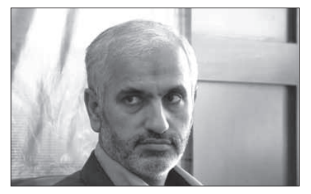

رئیس کل دادگستری گلستان در دیدار با مدیران اداره کل ثبت اسناد و املاک استان؛ صدورشناسایی و سند دار کردن املاک دولتی و ملی ، دست اندازی سودجویان به بیت المال را کاهش می دهد. به گزارش روابط عمومی، رئیس کل دادگستری گلستان در این دیدار با قدردانی از تلاش های انجام شده در حوزه ثبت اسناد و املاک استان گفت: برای کوتاه کردن دست سودجویان از اراضی ملی و دولتی باید صدور سند برای این اراضی در اولویت قرار گیرد. هادی هاشمیان با اشاره به این که برخی پرونده های سنگین و گره خورده در محاکم استان مربوط به املاک است افزود: الکترونیکی شدن فرآیند ثبت اسناد می تواند از تشکیل چنین پرونده هایی در آینده در محاکم جلوگیری کند و ورودی پرونده به دادگستری را کاهش دهد. هاشمیان در بخش دیگری از سخنان خود به کاهش جمعیت کیفری زندان های استان نیز اشاره کرد و گفت: امروز به جرات می توانیم ادعا کنیم هیچ کس در ساعت غیر اداری با وجود داشتن سند برای وثیقه به زندان نمی رود که این امر به علت فعالیت واحد های کشیک ثبت اسناد استان در طول شبانه روز است. این مقام ارشد قضایی استان افزود: با تعامل صورت گرفته با اداره کل ثبت اسناد و املاک و اجرای طرح غربال گری در زندان های استان، جمعیت زندانیان کمتر از ۱۰ روز استان از ۴۰ درصد به ۲۰ درصد کاهش یافته که قابل تقدیر است. هادی هاشمیان در بخش دیگری از سخنان خود بر افزایش نظارت در واحد های ثبتی استان تاکید کرد و گفت: تجربه نشان می دهد هر جا آسیب دیدیم و دچار مشکل شدیم به علت نبود یا ناکافی بودن نظارت بوده است. هاشمیان افزود: البته نظارت به معنای مچ گیری از همکارانمان نیست بلکه شناسایی عوامل خطر و از بین بردن بسترهای فساد و جرم را نیز در بر می گیرد.

«»

## نمایشگاه کتاب در گلستان باید نماد فرهنگی استان باشد

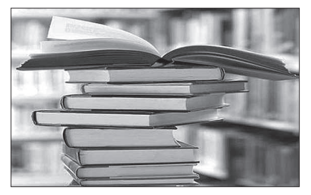

استاندار گلستان با اشاره به این که نمایشگاه کتاب رویداد فرهنگی بزرگی است، گفت: باید کاری کرد تا این نمایشگاه، نماد فرهنگی استان باشد، زیرا این نمایشگاه ها از کارها و برنامه های آسانی است که نتایج و برکات زیاد و بزرگی دارد. به گزارش ایرنا به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، حسن صادقلو در جلسه ستاد برگزاری نمایشگاه سراسری کتاب گلستان با بیان اینکه باید وسعت و اهمیت کار را بالا ببریم و از همه ظرفیت ها برای برگزاری این نمایشگاه استفاده کنیم، افزود: با این اقدام بدون شک می توانیم کمک شایانی در افزایش حجم موضوعات فرهنگی داشته باشیم. استاندار گلستان بیان داشت: یکی از رخدادهایی که دانایی را ایجاد می کند نمایشگاه کتاب است و یکی از مهم ترین موضوعات در برگزاری نمایشگاه کتاب، سیر مطالعاتی پیدا کردن افراد در این نمایشگاه است. وی با اشاره به اینکه فلسفه برگزاری نمایشگاه کتاب، تبادل فکر جدید از محیطی به محیط دیگر و از عرصه ملی به استانی است، افزود: چیدمان نمایشگاه بسیار مهم است و باید به گونه ای طراحی شود که مخاطب پسند و پیام آور باشد. مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان نیز در این نشست که شامگاه چهارشنبه برگزار شد، گفت: یازدهمین نمایشگاه سراسری کتاب گلستان با حضور ناشران برتر کشور، از ۲۵ مهر ماه به مدت شش روز در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی استان برپا می شود. حجت الاسلام علی اصغر فضلیت افزود: یازدهمین نمایشگاه سراسری کتاب گلستان در ۲۶۰ غرفه و با حضور بیش از ۵۳۰ ناشر سراسری برپا خواهد شد و تلاش داریم با استفاده از ظرفیت رسانه‌ها، علاقه مندان به کتاب را برای حضور در نمایشگاه دعوت کنیم.وی تصریح کرد: در این نمایشگاه علاوه بر نمایشگاه و فروشگاه کتاب تلاش می‌شود که تازه های نشر از سوی ناشران مختلف نیز در معرض نمایش قرار گیرد.

۸ روز از سکوت محیط زیست گذشت

# مرگ خرس قهوه‌ای پارک ملی گلستان

بیش از یک هفته از مرگ توله خرس قهوه ای پارک ملی گلستان می گذرد و در حالی که علت این حادثه همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد، هیچ یک از مسئولان محیط زیست هم حاضر به پاسخگویی نیستند.

خبرگزاری مهر، گروه استان ها–زهرا بهرامی: حادثه از یک روز گرم تابستان در پارک ملی گلستان و حاشیه روستای ترجنلی گالیکش آغاز شد و آن روز هیچ کس تصور نمی کرد نزدیک شدن توله خرس قهوه ای به حاشیه روستا زمینه مرگش را فراهم کند.هرچند خرس قهوه ای پارک ملی گلستان روز نخست از نزدیک شدن به روستا جان سالم به در برد اما روز دوم یگان حفاظت پارک ملی برای زنده گیری آن وارد عمل شد و چند ساعت بعد به دلایل نامعلوم این توله خرس تلف شد.رئیس پارک ملی گلستان بعد از زنده گیری این توله خرس در گفتگو با خبرنگار مهر حادثه را اینگونه روایت کرد و گفت: صبح روز یکشنبه (۱۲ شهریور ماه) با دریافت خبری مبنی بر نزدیک شدن یک قلاده خرس قهوه ای به حاشیه روستای ترجنلی گالیکش، ماموران یگان حفاظت پارک ملی گلستان در محل حضور پیدا کرده و خرس را مشاهده می کنند و این حیوان با مشاهده ماموران فرار کرده و تلاش برای گرفتن این حیوان بی نتیجه می ماند.سید مهدی کوچک افزود: روز دوشنبه با تماس یکی از اعضای شورای روستای ترجنلی مبنی بر مشاهده مجدد این حیوان، ماموران به محل مراجعه و با استفاده از دستگاه پرتاب دارت بیهوشی اقدام به بیهوش کردن حیوان می کنند.وی ادامه داد: هرچند تذکرات لازم به مردم محلی برای نزدیک نشدن به این حیوان داده شده بود اما حیوان قبل از بیهوش شدن دست چپ یکی از ساکنان روستا را که به این حیوان نزدیک شده بود، زخمی می کند.کوچک اضافه کرد: خرس قهوه ای پارک ملی گلستان در نهایت توسط ماموران یگان حفاظت پارک زنده گیری شده و برای بررسی های بیشتر در صورت وجود بیماری به مرکز نگهداری حیات وحش گناره منتقل شد.

محیط زیست پاسخگو نیست

رئیس پارک ملی گلستان به جزییات بیشتر حادثه اشاره نکرد اما چند ساعت پس از انتقال توله خرس قهوه ای تلف شد و تنها فرد پاسخگو در این حوزه احمد دباغیان، مدیر روابط عمومی حفاظت محیط‌زیست گلستان بود که در گفتگو با خبرنگار مهر، خبر تلف شدن این خرس قهوه ای را تایید کرد اما دادن اطلاعات در خصوص دلایل و جزییات مرگ این حیوان را به پاسخ دامپزشکی گلستان منوط کرد.حالا هشت روز از تلف شدن توله خرس قهوه ای می گذرد و شایعات بسیاری در خصوص مرگ این حیوان مطرح است، اما هیچ مسئولی در محیط زیست حاضر به پاسخگویی در این حوزه نیست.

عده ای ناشیانه عمل کردن نیروهای یگان حفاظت در بیهوش کردن و همچنین برخورد سرنگ بیهوشی به گردن و قفسه سینه حیوان و برخی ابتلا به بیماری هاری را علت مرگ آن می دانند.پیگیری های خبرنگار مهر برای دریافت پاسخ از مسئولان اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان بی نتیجه ماند و تماس های مکرر با مدیرکل دفتر حفاظت و مدیریت شکار و صید سازمان حفاظت محیط زیست در خصوص صحت و سقم آن بی پاسخ ماند.

مونه گیری از توله خرس انجام شد

در حالی که مسئولان پاسخگویی در سازمان حفاظت محیط زیست سکوت کرده و پاسخ شفاف و روشنی به سوالات بی شمار اهالی رسانه نمی دهند، مدیرکل دامپزشکی استان گلستان در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: نمونه گیری از توله خرس پارک ملی گلستان انجام شده و به مرکز ملی تشخیص سازمان دامپزشکی کشور ارسال شده است.محمود رضا وفایی افزود: حداقل ۱۰ روز برای ارسال پاسخ اولیه زمان نیاز است و تا نتایج اولیه وصول نشود، اظهار نظر در خصوص علت مرگ غیر کارشناسی است.وی تصریح کرد: ظاهرا در بررسی های بالینی همکاران به داشتن بیماری نوع A در خرس مشکوک شده و به محیط زیست اعلام می کنند که باید لاشه خرس دفن شود.مدیرکل دامپزشکی استان گلستان خاطر نشان کرد: در چنین مواردی مطابق دستورالعمل سازمان دامپزشکی، فقط اجازه نمونه برداری داریم و به دلیل خطرات انسانی و خطر انتشار بیماری اجازه کالبد گشایی داده نمی شود.وی یادآور شد: در چنین مواردی که تشخیص اولیه بیماری نوع A است به دلیل تبعات آن و احتمال ابتلا جمعیت انسانی و دامی، بهترین حالت دفن لاشه است تا پس از آن با پاسخ قطعی آزمایشات تشخیصی آن را رد یا تایید کنیم.

خرس قهوه ای محکوم به مرگ بود

در حالی که مدیرکل دامپزشکی گلستان اظهار نظر دقیقی راجع به علت مرگ خرس قهوه ای ندارد اما مشکوک بودن به بیماری نوع A احتمال ابتلا به بیماری هاری در خرس را تشدید می کند.یک دکترای دامپزشکی در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: نفس رها سازی یک جاندار در محیط زیست احتمال و خطر ابتلا به بیماری ها را بالا می برد.محی الدین احمدی با یادآوری اینکه بیماری هاری از بیماری های مشترک انسان و دام است، افزود: این بیماری در خونگرم ها مانند گوزن، خرس، سگ، روباه و گربه و ... شیوع داشته و ۱۰۰ درصد کشنده است. وی ادامه داد: اگر خرس قهوه ای پارک ملی بیماری هاری داشته، در هر صورت محکوم به مرگ بوده البته به شرط آنکه واکسن نخورده باشد.این دامپزشک اضافه کرد: چون از علائم بالینی خرس قهوه ای، جزییات حادثه و داروی استفاده شده و میزان آن اطلاعی ندارم، قضاوت نمی کنم که علت مرگ حیوان داروی بیهوشی بوده و یا دلایل دیگری داشته است.وی به علائم بیماری هاری در حیوانات اشاره و تصریح کرد: ترشح بزاق، ترس از نور و آب و همچنین تغییر رفتار از علائم این بیماری است اما نمی توان گفت خرس قهوه ای حتما به دلیل ابتلا به بیماری به روستا نزدیک شده شاید گرسنگی عامل اصلی بود.احمدی خاطرنشان کرد: کم خونی ها و کاهش پلاکت خون هم ممکن است دلیل مرگ حیوان باشد؛ اما باید یافته های بالینی (علائم) و میزان داروی بیهوشی تزریق شده، نوع دارو و فاصله تزریق تا مرگ حیوان و ... با دقت مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان اظهار نظر قطعی کرد.

محیط زیست گلستان نیازمند حضور دامپزشک است

هرچند این دامپزشک به صراحت اعلام می کند اگر خرس قهوه ای پارک ملی گلستان مبتلا به بیماری هاری بوده مرگ آن قطعی بود اما یک دامپزشک که در حوزه محیط زیست هم فعال است، به مرگ توله خرس پارک ملی گلستان از زاویه دیگری نگاه کرده و به خبرنگار مهر گفت: نه به عنوان بازرس و نه به عنوان یک بررسی کننده به این موضوع ورود نمی کنم.مسعود شکیبا افزود: استانی مانند گلستان که به واسطه اکوسیستم های متنوع حیات وحش مختلفی دارد و به دلیل شکار بی رویه با پرندگان آسیب دیده بسیاری در سال مواجه می شود و برای محیط بانی اسب های زیادی را به خدمت گرفته، نیازمند حضور دامپزشک و ارتباط مستمر با دامپزشکان است.وی ادامه داد: تا جایی که اطلاع دارم دکتر دامپزشکی که به شکل معنادار و مستمر فعال باشد و هم اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان اجازه حضور به وی بدهد، وجود ندارد تا در شرایط بحرانی و وقوع چنین اتفاقاتی (نزدیک شدن خرس به مناطق مسکونی و بیهوش کردن آن) حضور داشته باشد.این دکترای دامپزشکی اضافه کرد: اطلاعی از جزییات حادثه و اینکه چه چیزی باعث شده تصمیم به زنده گیری خرس قهوه ای شود، ندارم پس نمی توانم در خصوص درست یا نادرست بودن این تصمیم و حادثه اظهار نظر کنم.وی متذکر شد: اداره کل محیط زیست گلستان به دامپزشکی که دوره های آموزشی کارکردن با حیات وحش را تعلیم دیده باشد و با مبحث مقیدسازی و بیهوشی حیات وحش آشنایی داشته باشد، نیاز دارد.شکیبا یادآور شد: بیهوشی در حالت عادی و حتی در بیمارستان های پیشرفته و مجهز کار خطرناک، پرریسک و برادر مرگ است.وی بیان کرد: مقید کردن و بیهوشی حیات وحش که حیوان برای زنده ماندن تقلا دارد و داروهای بیهوشی قوی تری استفاده می شود، با اهمیت تر بوده و مخاطرات آن هم تا حدودی بیشتر است.شکیبا تاکید کرد: لازم است کسی که اقدام به عمل بیهوشی حیات وحش می کند علاوه بر گذراندن دوره های آموزشی باید تجهیزات و امکانات کامل برای احیاء حیوان در شرایط بحرانی و داروهای لازم برای بازگرداندن حیوانات را در اختیار داشته باشد.انتخاب دوز بیهوشی، در نظر گرفتن محل دارت ها در بدن حیات وحش در حیوانات مختلف، روش احیاء و تشخیص علائم بالینی و ... در حیات وحش نیاز به تخصص دارد و گلستان فاقد حضور دامپزشک در مواقع بحرانی است اما این کمبودها نمی تواند دلیل قانع کننده ای برای مرگ توله خرس قهوه ای پارک ملی گلستان باشد و باید منتظر پاسخ نمونه گیری انجام شده ماند.

## تولید محتوای فضای مجازی باید براساس ذائقه مخاطب باشد

قائم‌مقام صداوسیمای مرکز گلستان گفت: تولید محتوای فضای مجازی باید براساس ذائقه مخاطب باشد. به گزارش مهر، مهدی حمزه‌ای در آئین افتتاحیه نخستین دوره تربیت مربی سواد فضای مجازی که در گرگان برگزار شد، اظهار کرد: استفاده نادرست از فضای مجازی و افراط و تفریط در استفاده از آن موجب ازهم پاشیده شدن خانواده‌ها و انحراف جوانان در جامعه شده است. وی افزود: باید جوانان را به ازدواج و فرزند آوری تشویق کنیم و اجازه ندهیم کیفیت نسل جوان ما کاهش پیدا کند. قائم‌مقام صداوسیمای مرکز گلستان گفت: متأسفانه ۸۵ درصد از دانش آموزان ما به دلیل استفاده شبانه از فضای مجازی ساعت چهار صبح می‌خوابند که بر عملکرد آن‌ها در خانه و مدرسه تأثیر مستقیم می‌گذارد. حمزه‌ای اظهار کرد: حدود ۴۶ درصد ترافیک باند تلگرام متعلق به ایرانی‌هاست و متأسفانه ابتذالات فرهنگی و جوک و لطیفه در رأس استفاده از این شبکه اجتماعی قرار دارد.وی بابیان اینکه باید به تکلیف انقلابی خود عمل کنیم، اظهار کرد: تکلیف انقلابی تنها حضور در جبهه فیزیکی نیست بلکه حضور در جبهه فرهنگی هم به همان اندازه اهمیت دارد.

## دانشگاه گلستان از فروش فناوری یک میلیارد تومان درآمد کسب کرد

رئیس دانشگاه جامع گلستان گفت: درآمد دانشگاه از فروش پژوهش و فناوری یک میلیارد تومان بوده که از سامانه پزشک خانواده محقق شده است. به گزارش مهر، فرهاد یغمایی اظهار کرد: گزارش درآمد حاصل از پژوهش دانشگاه در شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه شده است. یغمایی به مقوله نقد اشاره کرد و گفت: نقدها باید سازنده باشد تا حرکتی صورت گیرد، البته نباید به همه جنبه ها پاسخ داد زیرا عمل فرد و دانشگاه معلوم و شفاف است. وی افزود: حداقل یک بار در سال نشست داشتیم و انتقادهای خود را بیان کردیم امّا امروز به نتیجه رسیده است، اتفاقی که باید دو سال پیش رقم می خورد. رئیس دانشگاه گلستان بیان کرد: در هفته اول دولت فاز اول دانشگاه در سرخنکلاته افتتاح شد و اکنون معاون اداری و مالی در آن جا مستقر است. یغمایی ادامه داد: از اول مهرماه ۱۵۰ دانشجوی جدیدالورود در رشته های، حقوق، مدیریت، گرافیک و مهندسی صنایع در دانشکده تعاون شروع به تحصیل خواهند کرد. وی توضیح داد: این رشته ها را برای اولین بار در دانشگاه دولتی در سطح استان داریم و هدف توسعه دانشگاه است. وی به نقشه علمی جامع کشور اشاره کرد و گفت: دانشگاه گلستان راه اندازی اولین مرکز ابر اشیاء را در بهار ۹۶ انجام داد که برای اولین بار در کشور اتفاق می افتاد.

## چهار مدرسه شبانه روزی در مناطق روستایی و شهری گنبد کاووس ایجاد می شود

معاون مدیرکل و مدیر آموزش و پرورش شهرستان گنبدکاووس از برنامه ایجاد چهار مدرسه شبانه روزی دخترانه و پسرانه جدید با هدف پوشش تحصیلی دانش آموزان مستعد مناطق روستایی در شهر گنبد و دو منطقه روستایی این شهرستان در سال تحصیلی جدید خبر داد. به گزارش ایرنا، فرج الله رزاقی در همایش مشترک دهیاران و مدیران مدارس روستایی این شهرستان افزود: دو باب از این مدارس دخترانه و پسرانه در شهر گنبدکاووس دایر می شوند تا نسبت به جذب آن دسته از دانش آموزان روستایی مستعد که توان پرداخت هزینه های تحصیل در شهر را ندارند، اقدام نماید. وی افزود: با همکاری بنیاد علوی نیز دایر کردن یک مدرسه شبانه روزی دخترانه در روستای بی بی شیروان در دستور کار قرار دارد تا نسبت به جذب دانش آموزان مستعد روستاهای منطقه که از نظر مالی در مضیقه هستند، اقدام شود. مدیر آموزش و پرورش شهرستان گنبدکاووس از جلب همکاری یکی از خیرین منطقه برای راه اندازی یک مدرسه شبانه روزی دیگر در مسیر روستاهای حاجی قوشان و چای قوشان نیز خبر داد و ابراز امیدواری کرد: با این اقدامات جذب حداکثری دانش آموزان در مناطق روستایی محقق شود. رزاقی در بخش دیگری از سخنان خود به لزوم همکاری تنگاتنگ دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی روستاها با مدیران مدارس برای پیشبرد امور تحصیلی دانش آموزان روستایی اشاره و این همکاری را در حل مسائل و مشکلات دانش آموزان بسیار گره گشا توصیف کرد. وی با تشریح وجوه مختلف همکاری دهیاران و شوراهای اسلامی روستاها با آموزش و پرورش خاطرنشان کرد: آموزش و پرورش برای پیشبرد امر تعلیم و تربیت دانش آموزان به عنوان آینده سازان جامعه نیازمند همکاری و مساعدت همه آحاد جامعه است و حضور دهیاران در مدارس روستایی و همکاری تنگاتنگ آنان با مدیران مدارس گرد و غبار غفلت را از ذهن دانش آموزان می زداید.

آگهی نوبت دوم شرکت در مناقصه نگهبانی کارخانه

شرکت سیمان پیوند گلستان (سهامی خاص)

در نظر دارد نگهبانی کارخانه سیمان پیوند گلستان واقع در استان گلستان، کیلومتر ۵ جاده گالیکش به مشهد، نرسیده به دو راهی کلاله را از طریق مناقصه (نوبت دوم) به پیمانکار واجد شرایط و دارای سابقه در این زمینه واگذار نماید .

الف) شرح مناقصه : حفاظت، مراقبت و نگهبانی کارخانه توسط ۲۴ نفر .

ب) تاریخ دریافت اسناد مناقصه : از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۱۰ روز کاری .

ج) مهلت استرداد اسناد تکمیلی و پیشنهاد قیمت : از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۱۲روز کاری .

د) محل دریافت و تحویل اسناد : تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوم، پلاک یک، طبقه اول، دبیرخانه .

تلفن: ۸۸۵۴۷۳۲۲–۰۲۱ داخلی ۳

آگهی‌های ثبتی

## آگهی فقدان سند مالکیت

خانم کبری اسن فرزند لطیف به شماره شناسنامه ۲۴ صادره از بهشهر دارای شماره ملی ۲۱۸۰۹۴۹۹۴۴ با ارائه دو برگ فرم استشهادیه گواهی شده شماره ۳۶۵۸۸ مورخ ۱۳۹۶/۶/۱۴ توسط دفترخانه شماره ۲۱ گرگان طی درخواست شماره ۱۴۶۱۵ – ۹۶/۶/۱۴ ادعا نموده اند که سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان بمساحت ۹۷٫۷۹ مترمربع پلاک ۱۶۸۷۵ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در بخش ۴ گرگان ذیل ثبت ۲۴۸۳۳ صفحه ۲۵۳ دفتر املاک جلد ۱۷۵ بنام خانم کبری اسن(سند تکبرگی) به شماره چاپی ۲۲۳۶۱۶ سری الف ۹۱ به نسبت ششدانگ پلاک فوق صادر و تسلیم گردیده است و سپس بموجب سند رهنی شماره ۳۶۷۲ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۳ دفترخانه ۸۲ گرگان در رهن بانک مسکن چاله باغ قرار گرفته که بعلت جابجائی مفقود گردیده است و در رهن و بازداشت نمی باشد تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده اند لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت(اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۸) و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می¬شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

محمد اسماعیل پور – کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان – ۶۶۰ م الف

خبر

## برنامه های ثبت احوال به سمت تشویق برود

استاندار گلستان گفت: برنامه های ثبت احوال باید از تنبیه و تهدید به سمت تشویق برود. به گزارش مهر، حسن صادقلو در نخستین جلسه شورای هماهنگی استان گلستان، اظهار کرد: ثبت احوال یک پیش نیاز است و در رفتار اجتماعی و همچنین بسیاری از حوزه ها تاثیر زیادی دارد. وی افزود: ثبت احوال در آینده مدیریت جمعیت موثر بوده و باید ثبت وقوع را داشته باشیم تا به واقعیت نزدیک شویم. استاندار گلستان خاطرنشان کرد: ثبت واقعی وقوع یک موضوع اساسی است و برنامه های ثبت احوال باید از تنبیه و تهدید به سمت تشویق برود.صادقلو تصریح کرد: برای کارآمدی کارت هوشمند باید تبلیغات بیشتری شود و از ظرفیت های استان استفاده کنیم.وی ادامه داد: تسهیل سازی و بررسی دلایل کم اقبالی برای دریافت کارت هوشمند باید در دستور کار ثبت احوال استان باشد. وی بیان کرد: برخی پروژه های ثبت احوال استان گلستان می تواند از طریق تبصره ۳۶ و اسناد خزانه اجرا شود و موضوع مشکوک التابعه ها بسیار حساس است و باید مورد ملاحظه ثبت احوال استان قرار گیرد.

«»

## ۱۴۵ میلیارد ریال اعتبار عمرانی امسال به آموزش و پرورش گنبدکاووس اختصاص می یابد

معاون استاندار گلستان و فرماندار ویژه گنبدکاووس با مهم و زیربنایی دانستن آموزش و پرورش در توسعه جامعه، از پیش بینی ۱۴۵ میلیارد ریال اعتبار تملک دارایی های استان به آموزش و پرورش این شهرستان درسال جاری خبر داد. به گزارش ایرنا، عبدالقدیر کریمی در جلسه شورای آموزش و پرورش این شهرستان گفت: اعتبارات پیش بینی شده برای آموزش و پرورش درسال جاری حدود پنج برابر سال قبل است که بی سابقه می باشد و قسمت اعظم آن برای تکمیل طرح های نیمه تمام آموزشی هزینه می شود. کریمی همچنین با مهم دانستن پروژه مهر و بازگشایی مدارس برلزوم همکاری همه ادارات و نهادها بویژه شهرداری و شورای شهر با آموزش و پرورش در انجام مطلوب این پروژه تاکید کرد. وی تصریح کرد: بازگشایی مطلوب مدارس از مهمترین تکالیف آموزش و پرورش است که همه مدیران باید به این نهاد در تحقق این ماموریت کمک نمایند. معاون مدیرکل و مدیر آموزش و پرورش گنبدکاووس نیز در این جلسه از آمادگی این مدیریت برای انجام پروژه مهر خبر داد و گفت: با تلاش مدیران مدارس، ثبت نام از دانش آموزان و نیز افراد فاقد مدارک هویتی و اتباع بیگانه به خوبی درحال انجام است. فرج الله رزاقی بر ضرورت همکاری بیشتر ادارات و نهادها و نیز شوراهای اسلامی و دهیاران برای شناسایی و افزایش پوشش تحصیلی دانش آموزان بویژه در مناطق مرزی تاکید کرد و افزود: با وجود تلاش های انجام شده در این خصوص اما هنوز شاهد ترک تحصیل دانش آموزان دختر در مقاطع متوسطه دوره اول و دوم در مناطق مرزی هستیم.وی اضافه کرد: امروز همه باید کمک کنند تا دانش آموزان بازمانده از تحصیل شناسایی، جذب و نگهداشت شوند.

«»

## تصادف پژو با نیسان در گلستان ۱۳ مصدوم برجای گذاشت

مسئول روابط عمومی اورژانس گلستان از تصادف یک دستگاه خودروی پژو با نیسان در محور آزادشهر به شاهرود خبر داد و گفت: ۱۳ نفر در این تصادف مصدوم شدند. نوید مازندرانی در گفتگو با مهر اظهار کرد: ساعت ۱۲ و ۴۵ روز چهارشنبه تصادف خودرو پژو با نیسان در محور آزادشهر به شاهرود حوالی معدن زمستان یورت آزادشهر منجر به مصدوم شدن ۱۳ نفر شد. وی تصریح کرد: هشت مصدوم مربوط به سرنشینان خودروی پژو و پنج مصدوم مربوط به سرنشینان خودروی نیسان بوده است. مسئول روابط عمومی اورژانس گلستان اظهار کرد: مصدومان این حادثه به دو بیمارستان مطهری گنبد و حضرت معصومه مینودشت منتقل شدند.

www.golshanemehr.ir

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن مهر

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

---

# فلسفه دینِ آنتوتئولوژیک هگل

سید مهدی ناظمی قره باغ

آنتوتئولوژی، اصطلاحی است که هیدگر بکار می گیرد تا همانند شدن وجودشناسی –که قرار بودبه پرسش از وجود بپردازد و نه وجودِ موجود– و الهیات را نشان دهد. آنتوتئولوژی، اتحاد الهیات و وجودشناسی در موجودشناسی است. در این اتحاد، موجودی به نام خدا محور دانش قرار می گیرد و با این محوریت، پرسش از وجود بما هو وجود، به محاق می رود، چنانکه در کل سنت متافیزیکی غرب به اشکال مختلف به محاق رفته است. بنابراین تفسیر بحث انگیز و پرمناقشه هیدگر از نگاه «آنتوتئولوژیکی هگل»، در پی نشان دادن همین روند جابجایی وجود با موجود است و موضع گیری درباره این تفسیر نباید این پرسش را نادیده بگیرد. ابتدا به این موضوع بپردازیم که آیا از نظر هگل، موضوع فلسفه و الهیات، یکی هست یا نه. به نظر می رسد که در نگاه اول، ارجاعات غیرقابل انکاری می توان یافت که هگل موضوع فلسفه و الهیات را یکسان می داند. مطلق هگل بنا بر نظر بیزر همان خداوند است: «هگل در کتاب فرق بیان می دارد که وظیفه فلسفه حصول شناخت از مطلق است (II. ۹۳/۲۵). او در دایره المعارف تصریح می کند که جستارمایه فلسفه خداوند و فقط خداوند است(VIII, ۴۱). و در درسگفتارهای فلسفه دین تصدیق می کند که فلسفه و دین متعلق واحد و یکسانی دارند، و گواه آن نیز این عبارت اوست: «مطلق یا خداوند» (VPR I, ۱/۳۳ ۱۱۶)». (بیزر، ۱۳۹۳: ۱۰۵). هگل نه تنها موضوع یکسانی برای فلسفه و دین قائل است بلکه گاهی کار را به جایی می رساند که فلسفه و دین را نیز یکی بخواند. با این توضیح که فلسفه شکل مفهومی دین است و دین شکل بازنمایی فلسفه. اما این فلسفه است که باید بازنمودهادینی را، یعنی شهودات و احساسات هنوز معقول نشده دینی را به صور معقول مبدل سازد. پس در واقع فلسفه، خدا را با وساطت مفاهیم می شناسد. (همان، ۲۴۷)

امااین فلسفه است که به سمت الهیات می رود و آن را دربرمی گیرد یا الهیات است که به سمت فلسفه رفته است؟ اگر دومی باشد ایراد هیدگر مرتفع نمی شود؟این پرسش اشکال دارد زیرا هیچ یک نیست، این فلسفه جدیدی است که همه انحای معرفت را به نوعی حرکت تاریخی روان تفسیر می کند و می فهمد. اتحاد فلسفه و الهیات در سرتاسر تاریخ غربی بسیار روشن تر از تاریخ دوره اسلامی فهمیده می شود. این اتحاد در همان فلسفه فیلسوف–قدیسان دوره قرون وسطی آغاز شده بود و در سیر تاریخی خود، همواره به اشکال مختلف متبلور شده بود. با ظهور فلسفه مدرن، اتحاد سابق نفی می شود و هگل در سرتاسر تفکر متلاطم خویش درباره دین، (به خصوص در دوره ینا و برلین) بر آن متاد تا در نهایت، این نفی سابق را در اتحادی لاحق بازیابی کند. در مجموعه نظر می رسد خدایی که هگل آن را بیان می کند، همان مطلقی است که نه ورای جهان است و نه جزئی از آن یا جمع اجزای آن. این خدای حلولی غیر از خدای ادیان است و همانقدر که جهان به این خدا نیاز دارد، خدا نیز به این جهان نیاز دارد. اما این نیاز غیر از نیاز برای خدایی است، این نیاز برای این است که خداوند اساساً همان وضع کلی جهان(طبیعت و تاریخ) است. جهان در اندیشه هگل، در برابر خداوند محو نمی شود، بلکه جهان و فقط جهان است که خدا را نشان می دهد. جهانی که خدای «نامتناهی» خود را با آن نشان می دهد، صرفاً یک جوهر طبیعی نیست، بلکه جوهری سوبژکتیو نیز هست و این سوژه، در تاریخ است که آشکار می شود. تأملات هگل دستمایه هایی را برای بسیاری حتی خود هیدگر هم فراهم ساخت تا ارتباط نزدیکتری بین دین–خدا و فرهنگ ببینند و حضور خداوند در جهان را به شکل انضمامی تری تفسیر کنند. هیدگر بعدها گفت که خدایان هم به انسانها نیازمندند همچنان که انسانها به خدایان نیازمندند. با اینحال نباید فراموش کرد که آموزه هگلی حلولی شدن خداوند، تفسیری است بغایت دور از تفسیر سنتی دین و در عمل بسیاری از آموزه های مختلف دین، از جمله صفات متشخص خدا و نیز سرنوشت اخروی انسان را زیر و رو می کند. یک چنین تفسیری البته می تواند به ویژه با جایگزینی خداوند با مفاهیم دیگری مانند وجود، مطلق، روان و... تفسیر عمیق تری از حیات انسان در سپهر تفکر مدرن بدهد. همچنین باید دقت داشت که صورت تفسیری هگل، ارتقای دین توسط فلسفه است و نه تعامل یا آمیزش افقهای فلسفه و دین در عرض هم. در واقع هگل پیشاپیش پذیرفته است که ماهیت دین با فلسفه فهم می شود و با فلسفه تفسیر می شود و با فلسفه تغییر می یابد و حقیقت دین، استقلالی از فهم فلسفی ما در عصر مدرن ندارد. از نظر هگل، فلسفه صور ناآگاهانه و ناتمام بازنمود را می تواند بفهمد ولی آن صور نمی توانند مفاهیم فلسفی را منعکس کنند، اگرچه هر دو گروه یک متعلق داشته باشند. پس ارتباط فلسفه و دین یک ارتباط طولی است و نه عرضی. هر نوع هم آوردی با تفسیر هگل از دین هم باید یک هم‌آوردی فلسفی باشد زیرا این تفسیر هگل از فلسفه است که فلسفه و دین را دارای یک موضوع می خواند و برای همین، موضوع دینارتقا پیدا می کند تا در فلسفه معنای مفهومی خود را پیدا کند و از سطح استعاره های بازنمایی شده، فراتر رود. هیدگر در این میان معتقد است با جملات آغازین کتاب منطق که «آموزه وجود» نام دارد، می توان موضع هگل را درباره وجودشناسی دریافت. در آغاز آن کتاب، هگل سرآغاز علم را که همان نتیجه آن نیز هست، امری ذاتاً تأملی می خواند. آغاز و انجام این حرکت مطلق، همان سیر استکمالی روان است. هیدگر سپس اشاره به سخنی از هگل در انتهای این بخش می کند که در پرانتز آمده است: «و خداوند حق بی چون و چرایی دارد تا آغازی را که با او ساخته شده است، داشته باشد.» هیدگر با توجه به عنوان «آغاز علم» معتقد است این تصریحی بر این است که این علم که همان علم شناخت خداست، نوعی الهیات است و بنابراین وجودشناسی مدنظر هگل همان وجودشناسی الهیاتی یا آنتوتئولوژیک است. علم به وجود، الهیات است زیرا این علم «بسط سیستماتیک معرفت است، وجودِ موجودات خود را به مثابه این معرفت می داند...». (Ibid: ۵۴)

از نظر هیدگر، این همان راه مشهور متافیزیک است، راهی که در آن، وجودِ موجودات به مثابه یک کل که اساس همه موجودات قرار می گیرد، متعلق پرسش است و این همان چیزی است که هیدگر آن را آنتوتئولوژی می خواند. این خصوصیت محدود به فلسفه غرب نیست و خصوصیت خود متافیزیک است. باید از آن اساسی در متافیزیک سؤال کرد که می تواند وجودشناسی و الهیات را متحد سازد. همان اساسی که پرسش از وجود را به پرسش از وجودِ موجودات و به ویژه موجودی عالی در رأس همه موجودات انتقال داده است. (Ibid: ۵۴–۵۶)

هیدگر در بازگشت دوباره به مسأله وجود در فلسفه هگل، چنین بیان می کند که با طرح علم منطق بجای الهیات، هگل همزمان وجود را با تهی ترین شکل و کامل شده ترین شکل خود لحاظ می کند. در واقع این که ایده، موضوع علم منطق است، نباید سبب این گمان شود که هگل به بحث از منطق مانند آنچه در سنت هست می پردازد، بلکه در واقع هگل ایده را موضوع تفکر می داند و آن را در عین حال همان وجود (وجود موجود) می خواند. هیدگر در توضیح تبدل وجود به تفکر در نگاه هگل، بیان می دارد که این بدان معناست که:«وجود موجودات خود را به مثابه اساسی آشکار می کند که خودش خود را تأسیس و توجیه می کند. اساس، ratio، با ریشه ذاتی خود، Λογος است به آن معنا که موجودات را تجمیع می کند و به آنها مجال بودن می دهد».(Ibid: ۵۷).

هیدگر از همینجا نتیجه می گیرد علم برای هگل، منطق است نه به این خاطر که موضوع علم، تفکر است، بلکه به این خاطر که وجود، موضوع تفکر است، وجود از زمانی که با لوگوس به نامستوری درآمد، اساس و مؤسس و موجِّه قلمداد شد. این متافیزیک است که چنین معنایی را از وجود به ارمغان آورد: وجود به مثابه کلی ترین اجناس و چیزی که اساس بقیه چیزهاست. هر دوی وجودشناسی و الهیات، از آن نظر که از پسوندی برآمده از لوگوس برخوردارند، بیانگر اساسی برای موجودات هستند و بنابراین می توان آنها را منطق لوگوس خواند. وجه الهی متافیزیک هم از اینجا آغاز می شود که ما برای تکمیل فهم خود از اساس چیزها یا از کلی ترین موجود به دنبال علت اولی یا نخستین اساس می گردیم. این علت اولی همان مفهوم متافیزیکی خداوند است. وجودی که در متافیزیک به عنوان اساس چیزها قلمداد می شود به موازات، به عنوان لوگوس و هم به عنوان υποκειμενον (زیرنهاد) فهمیده می شود. بنابراین متافیزیک تئولوژیک است، به این خاطر که آنتولوژیک است. همچنین آنتولوژیک است بخاطر این که تئولوژیک است. (Ibid: ۵۸–۶۰)

تفسیر هیدگر از هگل، هر چند که شاید خالی از اشکال و ایراد هم نباشد اما حداقل می تواند اهمیت چیزی را در فلسفه هگل نشان دهد که به شکلی اسطوره ای در تاریخ فلسفه همواره حاضر بوده است. آنتوتئولوژیک بودن، نوعی بیان متافیزیکی است و این بیان بی شک در برابر پرسش از خود وجود است و هم از مهترین انگیزه هایی است که فلسفه های معاصر را به گذار از اسطوره حضور فرامی خوانند.

# طرح مطلق در پدیدارشناسی روح هگل

فاطمه دلاوری پاریزی

کلمه انگلیسی Absoloute از معادل فرانسوی‌اش Absolut اخذ شده که اصالتا لاتین می‌باشد: Absolutus. این کلمه مفعول بوده و از فعل Absolve ریشه گرفته‌است و معنی آن بدون پایان، تمام، کامل و همچنین بدون وابستگی به چیزی دیگر است.(ET Dictionary: ۲۰۰۸) مفهوم «مطلق» از مفاهیم اساسی متافیزیک و فلسفه در طول تاریخ است، به این معنا که شاید بتوان گفت مهم‌ترینبحث در تاریخ فلسفه سخن از مطلق است. هگل از مطلق‌بیشتر به عنوان یک اسم در میان آثارش استفاده می‌کند. مطلق برای وی اصطلاحی تخصصی و فنی است. هگل از مطلق به عنوان صفت در میان آثارش در سه موقف یاد می‌کند:

الف) دانش مطلق (در پدیدارشناسی)
ب) ایده مطلق (در علم منطق)
ج) روح مطلق (در دایرة المعارف)

تفاوت دانایی، ایده و روح به مواقف است وگرنه همه به یک حقیقت اشاره دارند.

با جستجوی مطلق در پدیدارشناسی، مطلق را همان سوژه در می‌یابیم. «مطلق، سوژه شناساست. » ((pre:۱۹۷۷,Hegel) هگل اشاره می‌کند که ذات حقیقی را باید نه تنها به مثابه جوهر بلکه نیز به مثابه سوژه (خودآگاه خودبنیاد) در نظر گرفت. و باید توجه داشت که این سوژه برون ذاتیت خود حیات نیست. این سوژه امری درون ماندگار نیست بلکه از خود فرا می‌رود و واسطه دیگر شدن خود و خود شدن خود می‌شود. «سوژه کنشی است که خود را وضع می‌کند و به عنوان جوهری زنده و در حکم سلبیت محض است». ((pre:۱۹۷۷,Hegel) این وضعیت سوژه منجر به وضع خود شده و واسطه برای وضع دیگری است. در نتیجه سوژه در عین حال که از جهان متمایز است می‌تواند خود را نیز در آن بیابد. گویی هگل بر خلاف شلینگ می‌خواهد از وحدت¬ انگاری اکید او بیرون خزد و جایی برای ابژه باز کند.

همان طور که اشاره شد سوژه سلبیت محض است. به تعبیر هگل سوژه امر بسیط را شقه می‌کند ((pre:۱۹۷۷,Hegel) این شقه کردن امر بسیط، آن را مضاعف می‌کند و در نتیجه تضاد را با این مضاعف سازی به وجود می آورد و بساطت بی واسطه را که در آغاز با آن مواجهیم نفی می‌نماید. باید به این نکته توجه داشت که امر حقیقی تنها این‌همسانی خود تجدیدگر یا این بازتابیدن به دگربودگی در بطن خویش است و نه نوعی وحدت آغازین یا بی واسطه به خودی خود. (بایزر، ۱۳۹۱)

در پدیدارشناسی، سوژه از جایگاه مهم‌تری برخوردار است. این طرح مبتنی بر رابطه ویژه‌ای است که میان خود و دیگری می‌افکند. این رابطه یک این همانی ساده و وحدت محض در نظرگاه وی بر خلاف شلینگ نیست، بلکه وحدتی است در عین کثرت و این‌همانی ای است در عین بازتابیدن به دگر بودگی.

همان طور که خود هگل (۱۹۷۷) اشاره می‌کند، بنیاد دیالکتیک¬اش همین بازتابیدن، وساطت و سلبیت است. «من» به دلیل بساطتش درست همان داده‌شدگی در حال شدن و خود داده شده است. همین بازتاب است که از امر حقیقی نتیجه می‌سازد ولی در ضمن همین بازتاب است که تضاد میان امر حقیقی و شدنش را رفع می‌کند، زیرا چنین شدنی هم به همان اندازه بسیط است و بنابراین فرقی با صورت امر حقیقی که همان آشکارشدن به عنوان بسیط در نتیجه است ندارد. به بیان دیگر نتیجه همان برگشت به بساطت است. با این وصف سوژه در عین تمایز با دیگری، خود نهنده و واسطه در وضع دیگری است. و بساطت اولیه توسط سوژه به وضعیت تضاد می‌رسد و در این تضاد، بازتاب به دگر بودگی است که امر حقیقی را به عنوان برگشت به بساطت اولیه می‌سازد.اما این امر حقیقی بسیط که به عنوان نتیجه ساخته می‌شود همان مطلق است. «مطلق همانی هست که در حقیقت هست و برون ذاتی بودن سرشت مطلق که سوژه یا شدن خویش است درست در همین است. مطلق در ابتدا تنها کلیتی انتزاعی است که نخست و بی واسطه طرح می‌شود». ((pre :۱۹۷۷,Hegel)

و سپس به واسطه سوژه و وضع دگر بودگی به همان بساطت آغازین اما این بار به عنوان کل بر می‌گردد. ذات حقیقی کل است. و این کل ذاتی است که تنها با توسعه پذیری خود به سرانجام می‌رسد.

یکی از پشتوانه‌های هگل در طرح بحث کل، ایده کل اندماجی کانت است. کانت، در قسمتهای هفتاد و شش تا هفتاد و هشت نقد قوه حکم به این کل اشاره می‌کند. در هر کلی تحلیلی یا مرکب اجزا مقدم بر کل است و هویت هریک از اجزا مستقل از هویت و چیستی کل است، در کل ترکیبی یا کل اندماجی، کل مقدم بر اجزایش است و هریک از آنها را ممکن می‌سازد. در هر کلی تحلیلی میان امکان و واقعیت، تمایزی هست، زیرا هیچ دلیلی بر این‌که کلی تحلیلی بتواند بر چیزی منطبق شود یا در مورد آن چیز صدق کند در میان نیست، در کلی ترکیبی چنین تمایزی وجود ندارد، زیرا این کلی خودش را متحقق می‌سازد. مراد هگل کلی ترکیبی است. کلی ترکیبی چونان نطفه‌ای است که اجزا را از پیش در خود دارد اما مقدم بر وجود اجزا محقق شده است. می‌توان این کلی را همان تقدم ایده بر وجود دانست. ((Kant, ۲۰۱۰

هگل کل بودن حقیقت را با مطلق بودن آن گره می‌زند. آنجا که ورنه (Verene, Donad Philip) می‌پرسد: اما نور حقیقت چیست؟ حقیقت کل است نه جزء. هگل می‌گوید: «این استنتاج از این واقعیت ریشه گرفته که مطلق تنها حقیقت است و حقیقت تنها مطلق است(verene, ۲۰۰۷:۱۶) البته نکته مهم در فهم کل بودن حقیقت این نکته نیز هست که هر موقف ضروری است و در هر موقف «باید» درنگ کرد «چرا که هریک بشخصه یک شکل منفرد کامل است و این تنها در پرسپکتیو مطلق دیده می‌شود وقتی که تعیناتش به مثابه یک کل انضمامی دیده می‌شوند یا کل به مثابه یگانه مشروط توسط این تعینات نگریسته می‌شود»(verene)(pre, ۲۰۰۷:

جستجوی مطلق به مثابه کل و در نتیجه به عنوان حقیقتی که عاری از تمام تناقضات و تضادهاست و در آن آزادی به نحو اتم و اکمل خود قابل دسترسی است و تناهی و قید و مرز در آن راهی ندارد در ادامه جستجوی مطلق در کل تاریخ فلسفه در هگل منجر به طرح مطلق به نحو دربردارنده و رافع تمام تناقضات و تضادها می‌شود. طرح آزادی فیخته و ضرورت اسپینوزا که محل مناقشه جدی در دوران هگل بوده است در قلمرو مطلق به نحو دیالکتیکی حل و فصل می گردد. همان طور که استرن اشاره می‌کند:

«در این قلمرو اعتبار و قدرت از تضاد میان آزادی و ضرورت، میان روح و طبیعت، میان دانش و ابژه اش، میان قانون و تکانه و همچنین از تضاد و تعارض فی نفسه به هر شکلی که باشند زدوده شده است. دیگر اثری از اعتبار و قانون آنها در مقام تضاد و تعارض نیست. ۱۳۹۳:۷۶)

در پدیدارشناسی، مطلق، در دو جایگاه اصلی طرح می‌شود. در بخش یقین حسی و با ترکیب دانش(Erkentniss)مطلق و در بخش نهایی کتاب و با ترکیب شناخت یا معرفت(Wissen)مطلق. این معرفت مطلق، در دو معنا طرح می‌شود شناختی که به خودآگاهی رسیده و در کمال آزادیست و مطلقی که می‌شناسد. این معنای دوم، مطلق را موصوف لحاظ می‌کند و تنها جایی است که مطلق به عنوان موصوف اخذ می‌گردد. ما در کتاب پدیدارشناسی در پی شناخت یا معرفت مطلق با معنای اول هستیم یعنی شناختی که به خودآگاهی رسیده و در این جا می‌تواند دانش مطلق نیز گرفته شود زیرا شناخت و علم برای هگل یکی است. ورنه در کتاب خود درباره مطلق هگل که مقدمه‌ای برای فهم پدیدارشناسی است، به تعریف دانش مطلق می‌پردازد. «دانش مطلق یعنی گردهم آوردن دو جنبه از خود. این دو جنبه با تعریف باستانی از عقل برابر هستند که کیکرو ارائه می‌کند: این معرفت، شناخت چیزهاست به طور الهی «و» بشری». (Verene, ۲۰۰۷: ۹۴) در واقع شناخت مطلق اتصال این دو نوع کیفیت شناخت است و این «و» را باید به نحو دیالکتیکی فهم کرد. به این شناخت ،مطلق گفته می‌شود چون با همه انواع شناخت در سطح و نوع متفاوت است.

وظیفه پدیدارشناسی طرح مطلق به مثابه دانش و رهنمون کردن ما به کتاب منطق که طرح اصلی مطلق در آن ریخته می‌شود می‌باشد.

# دین و هگل

به نظر هگل ذهن انسان پس از احراز خود اگاهی در حالت بندگی از سه مرحله میگذرد مرحله رواقی مرحله شکاکیت و مرحله ای که هگل آن را «آگاهی اندوهبار» می نامد. در مرحله رواقی ،بنده در شوق و کوششی که برای آزادی دارد خویشتن را از پروای اسایش و زندگی مادی می رهاند و از هرچه رنگ تعلق دارد می گسلد.از این رو چون دیگر از هیچ چیز،از جمله از ارباب و شکنجه و آزار او نمی ترسد ،چه «بر سریر باشد و چه در زنجیر» خود را آزاد حس میکند . ولی پیداست که آزادی او تنها جنبه ذهنی دارد زیرا این وارستگی و بی نیازی او را در عمل از بنده فرمانبرداری نمی رهاند و او همچنان بنده می ماند. کنار گیری او از جهان و جهانیان ،اندیشه اش را بیش از پیش انتزاعی یا به گفته هگل از هرگونه محتوای تعینی تهی میکند و به پرسشهایی از این گونه که حقیقت یا خوبی چیست پاسخهای کلی و مبهم میدهد و به همین دلیل که پاسخهای او جنبه کلی مبهم دارد خود در جهان واقع برای انها مصداق و ما بازاءی نمی یابد، این است که کم کم از مفاهیمی چون حقیقت و خوبی و فرزانگی و فضیلت ،دچار ملال می شود و این سراغاز شکاکیت و نیست انگاری (نهلیسم) یعنی مرحله دوم است که در ان بنده ،واقعیت جهان موهوم می انگارد.ولی این حالت او را نا ارام تر می گرداند چون متضمن دیگر اگاهی آن از این پوچی برایش پوچ نیست بلکه حقیقت دارد .دیدن و شنیدن و جز آن را باطل اعلان میکند ولی خود همه چیز را می بیند و می شنود .اصول اخلاقی را بی اعتبار می داند اما خود بر اساس اصول اخلاقی رفتار میکند .پس گفتار و کردار او پیوسته باهم ناسازگار در می آیند و روح او دچار پریشانی و دوگانگی می شود . در مرحله رواقی ،روح بنده واقعیت جهان را یکسره انکار می کند و در عین حال خود درگیر و دار این واقعیت ،جویایی آزادی و آرامش است

.در مرحله رواقی ،دوگانگی در وجود دو تن یعنی ارباب و بنده تجسم می یافت و لی در مرحله شکاکیت در روح یک تن که همان بنده باشد متمرکز است. از این دوگانگی یا دو پارگی روح مرحله سوم یعنی یعنی حالت «آگاهی اندوهبار» پیدا می شود.در این مرحله انسان به دین پناه می برد تا یگانگی روحی خویش را باز جوید.منظور هگل از دین در اینجا نخست یهودیت و سپس مسحیت است و انچه می گوید به طور عمده به تاریخ کلیسای کاتولیگ و جامعه ملوک الطوایفی اروپا در قرون وسطی مربوط می شود .او شرح می دهد که ذهن ازاده انسان چگونه در اوضاع اشفته و ناپایدار ان روزگار در پی ثبات و ارامش می گردد و چگونه کلیسا می کوشد تا میان واقعیت یا حقیقت ابدی و نا ایمنی ذهنی انسان،رابطه ای برقرار کند.ولی ذهن ازاد از مسیحیت خرسند نمی شود بلکه برعکس چون با عاطفه دینی در می امیزد رنج و تلخی دوپارگی روح را بیشتر احساس میکند . پس به تلاش و جستجوی خود ادامه می دهد تا سر انجام به عقل دست می یابد و به یاری ان با واقعیت یگانه می شود و این همزمان با اغاز دوره اصلاح(رفورم) و رستاخیز فکری (رنسانس) در تاریخ اروپاست که به عقیده هگل نشانه آغاز «حکومت مطلق عقل» بر زندگی آدمی است .ولی عقل در این مرحله جنبه انتزاعی دارد و تنها در زمان انقلاب کبیر فرانسه است که به حال انضمامی در می آید.

خدایگان‌وبنده
نوشته گ.و.ف هگل
با تفسیر الکساندر کوژه

**ترجمه‌وپیش‌گفتار حمید عنایت**

یادداشت

## هگل؛نامداری پس از موت

محمدایمانی

**«هنگامی که فلسفه خاکستری‌اش را به خاکستری رنگ می‌زند، شکلی از زندگی پیر شده است، و با خاکستری در خاکستری، آن شکل جوان نمی‌شود، که تنها شناخته می‌شود. جغد مینروا نخست با سر رسیدن گرگ‌ومیش بال می‌گشاید»/هگل**

فلسفه هگل در زمان حیات او توجهی جدی یا بحثی عمومی برنیانگیخت. نخستین آثار اصلی او یعنی پدیدارشناسی روح و علم منطق زمانی منتشر شدند که طرف های اصلی بحث یعنی کانت، راینهولد و فیشته یا از دنیا رفته بودند و یا دیگر در بحثی عمومی شرکت نمی کردند. شلینگ دوست سابق او نیز تا سال ۱۸۲۱ سکوت اختیار کرد و بعد از آن هم با یاکوبی وارد بحث و جدل شد. در سال ۱۸۲۹ یعنی دو سال قبل از مرگ هگل، هنوز نسخه هایی از چاپ نخست پدیدارشناسی روح (۱۸۰۷)! در آلمان یافت می شد و این در حالی بود که چاپ اول کتاب تنها شامل ۷۵۰ نسخه بود. ۲۵ سال پس از چاپ اول پدیدارشناسی روح این کتاب به چاپ دوم رسید. سرنوشت علم منطق نیز تفاوت چندانی نداشت. از مجموع چند نقدی که در مجلات بر خطوط بنیادین فلسفه حق در زمان حیات هگل نوشته شد هیچ کدام از حد هجمه های پلمیک به هگل فراتر نرفت و تا زمانی که هگل زنده بود هیچ بحث فلسفی پیرامون این کتاب در نگرفت. برعکس حرف و حدیثهای فراوانی که از سلطه فلسفی بلامنازع هگل بر آلمان در زمان حیات او و دهه های بعد از آن می گویند، اثرگذاری هگل در زمان حیاتش محدود به شنوندگان کلاسهای درس او بود. این اثرگذاری بویژه در درسگفتارهای هایدلبرگ و برلین اوج گرفت. در واقع می توان گفت بحث پیرامون فلسفه هگل چه در زمان حیاتش و چه دهه های پس از مرگش «متن محور» و مبتنی بر آثار مکتوب او نبود، بلکه در حاشیه درسهای او و بین شاگردانش شکل گرفت. بسیاری از شاگردان او و بعدتر خود فیلسوفان و نویسندگانی با آثار قابل توجه شدند. فضای سیاسی آن سالها بویژه سالهای پس از مرگ هگل فضایی متشنج بود که تاثیر زیادی بر آرایش متقابل شاگردان هگل داشت. آنچه آنها را در برابر هم قرار می داد نه تفسیر متمایز، بلکه در درجه نخست تفاوت در جهت گیری های سیاسی و در درجه بعد جدال الهیاتی–سیاسی بین آنها بود.

معرفی کتاب

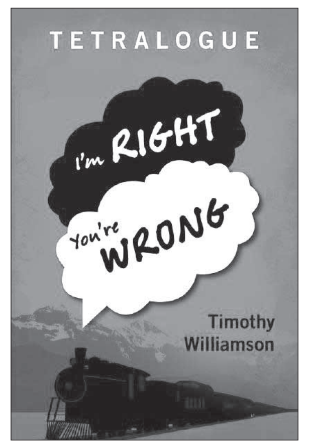

**نام نویسنده: Timothy Williamson**
**نام اثر به فارسی: گفتگوی چهار نفره؛ حق با منه، تو اشتباه میکنی**
**مترجمان: کامران شهبازی**
**سعیده‌بیات**
**نشر: کرگدن. در دست چاپ.**

همانگونه که از عنوان کتاب بر می آید، موضوع این کتاب گفتگویی میان چهار نفر است. این چهار شخص که به صورت اتفاقی در یک قطار با هم آشنا میشوند دچار اختلاف نظرهای بنیادینی هستند. هر کدام از این اشخاصی نمادی از افراد پیرامون ما هستند. باب، نماد افراد خرافاتی است که اعتقاد عمیقی به جادوگری دارد. سارا، نماد علم گرایان است و معتقد است تنها باید از دریچه علمی به جهان نگاه کرد، و تنها شناخت معتبر، شناخت علمی است. زک، نماد نسبی گرایان است که از دیدگاه او، هیچ حقیقت مطلقی وجود ندارد و هر کسی از دیدگاه خود برحق است. آخرین نفر رکسانا است که صدای خود نویسنده در این کتاب و مدافع عقلانیت و منطق است. ویلیامسون در این کتاب با بررسی موضوعات گوناگون فلسفی، از اخلاق و سیاست گرفته تا معرفت شناسی و منطق، سعی دارد با زبانی عامیانه و غیرتخصصی، بار دیگر از عقلانیت دفاع جانانه ای به عمل آورد.